

درد آتشین به کارگران رزمنده و آزادی خواه ایران!

متن کامل بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی

تهران به مناسبت ششمین انتخابات مجلس



شماره ۵۷۷، دوره هشتم
سال شانزدهم، ۳ اسفند ماه ۱۳۷۸

مقدس به پیش می رود، در کجاست؟ به عبارت دیگر موتور قدرتمند تحولات و تغییرات اجتماعی - اقتصادی و سیاسی در نزد کدام نیروها و طبقات اجتماعی است؟ این سئوالی است که بسیاری، به

کارگران - زحمتکشان و هموطنان شریف و مبارز
اکنون در آستانه انتخابات مجلس ششم، رویدادهای مهم و سرنوشت سازی در جامعه در حال وقوع و شکل گیری است. این رویدادها که خود حاصل روند مبارزه سترگ خلق ما در انقلاب ۲۲ بهمن و در امتداد آن خیزش آگاهانه و حماسه آفرین در دوم خرداد ۷۶ بود، در پی خود تحولاتی را در سطح جامعه در صفوف اقشار و طبقات اجتماعی به وجود آورده است که بدون درنگ و توقف ناپذیر به پیش می رود. باید دید قلب پهنه تحولات خون در رگ حیات جامعه با پمپاژی قوی به تمام اندام های آن می رساند و بر تحرک تحولات اجتماعی به سوی آماج ها و اهداف مهم و

بقیه در صفحه ۳

**اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی
جعل اعلامیه و سند به نام حزب توده
ایران را شدیداً محکوم می کنیم
در صفحه ۵**

۲۹ بهمن، رفراندومی دیگر برای

طرد ارتجاع، استبداد قرون وسطایی و رژیم «ولایت فقیه»



هم میهنان مبارز و آگاه!

درد بر شما که یک بار دیگر در آزمونی دشوار و تاریخی، با حرکت قاطع و تزلزل ناپذیر خود، ضربه سنگینی بر رژیم استبدادی حاکم وارد آوردید، و خاکریزی دیگر از سنگرهای ارتجاع را تسخیر کردید!

بر اساس آخرین گزارش های رسیده، در روز جمعه ۲۹ بهمن، بیش از ۳۲ میلیون ایرانی، بر رغم شرایط غیردموکراتیک تحمیل شده به آنان از سوی شورای نگهبان و سایر ارگان های پاسدار ارتجاع، و با اینکه صدها نامزد اصلاح طلب و مخالف استبداد «ولایتی» حذف شده بودند، به پای صندوق های رأی رفتند و با قاطعیتی انقلابی و تاریخی، خواست تزلزل ناپذیر خود را مبنی بر گام گذاردن در راه تحولات بنیادین، پایدار و دموکراتیک در راه استقرار حاکمیت مردمی را، اعلام کردند. با وجود تبلیغات مسخره سران ارتجاع، و پیام خود «رهبر» در مورد «تثبیت نظام» و «رأی به نظام»، مسایل برای مردم ما و همچنین جهانیان، که با دقت مسایل میهن ما را دنبال می کنند، روشن تر از آن است که بتوان با چنین تبلیغاتی آن را مسخ و وارونه جلوه داد. بر اساس آخرین برآوردها نامزدهای جبهه دوم خرداد که از سوی نیروهای «ذوب در ولایت» به ضدیت با «ولایت فقیه» و «اسلام» متهم شده بودند توانسته اند در مجموع بیش از ۷۰ درصد آراء را به خود اختصاص دهند. و نیروهای مدافع «ولایت»، آنهم پس از تمهیدات بسیار، از جمله خرید آراء و تقلب در برخی روستاها و شهرستان های کوچک تنها توانسته اند ۲۵ درصد آراء را کسب کنند. در برابر بیش از ۳۲ میلیون ایرانی، که به پای صندوق های رأی رفتند، دو نوع تفکر آشکارا متضاد و برنامه متفاوت برای آینده میهن ما قرار داشت: در یک سوی این نبرد، جبهه مدافعان «ذوب در ولایت» و ادامه استبداد قرون وسطایی متکی بر اصل «ولایت مطلق فقیه» قرار داشت، که شعار هرچه «بیشتر اسلامی کردن ایران»، «مقابله با تهاجم فرهنگی»، «شکستن قلم ها» و صدور حکم «ارتداد» برای مخالفان «نظام» را مطرح می کرد و در سوی دیگر، طیف وسیع و ناهمگونی از نیروهای سیاسی، اجتماعی و انبوه توده های میلیونی مردم قرار گرفته بودند که، جان به لب رسیده از سال ها فاجعه و تخریب، خواهان تغییر اوضاع به سمت اصلاحات اجتماعی - اقتصادی، به سمت حاکم شدن مردم بر سرنوشت خویش، به سمت آزادی، و مهم تر از همه، به سوی تحقق عدالت اجتماعی به نفع میلیون ها شهروند محروم و زجر کشیده

بودند. در طیف نیروهای سیاسی حاضر در این ائتلاف، هستند کسانی که تنها از سر فرصت طلبی و آینده نگری به جبهه مردمی پیوسته اند، و بیش از آنکه به شعارهای مردمی اعتقاد داشته باشند نگران سرنوشت سیاسی خودند. حزب کارگزاران سازندگی و مدافعان هاشمی رفسنجانی، مهره مهم ارتجاع و استبداد، و از مسببان اصلی

ادامه در صفحه ۶

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه هاشمی رفسنجانی، ...

را داشته است»، اخیراً نامه ای از سوی برخی از امضاء کنندگان نامه مشهور به نامه «۹۰ نفر» که در دوران رفسنجانی دستگیر و روانه شکنجه گاه ها شدند انتشار یافت که در آن از جمله ذکر شده بود: «متعاقب این جریان [انتشار عمومی نامه] ۲۳ نفر از امضاء کنندگان نامه که به زعم دست اندرکاران از عوامل مؤثر در انتشار نامه بودند دستگیر شده و عموماً تحت سخت ترین شکنجه های قرون وسطایی قرار گرفتند تا حاضر به مصاحبه تلویزیونی و بیان آنچه بر آنها دیکته می شد، یعنی اعتراف به ارتباط با بیگانگان و جاسوسی در دوران جنگ کنند. به علاوه عده ای نیز در شهرستان ها دستگیر و در همان محل زندانی و محکوم شدند...»

افزون بر این، به گزارش نشریه ایران فردا، شماره ۶۸، حشمت الله طبر زدی در نوشته ای به عنوان «هاشمی رفسنجانی و یک نقد تاریخی» ضمن افشای نقش رفسنجانی از جمله نوشته است: «هاشمی همواره از نقش کلیدی خود در مدیریت بحران از سال ۶۰ نام برده است. بنابراین باید به پرونده قضایی - امنیتی دهه ۶۰ نیز نظری افکنده شود و از هاشمی خواسته شود تا پاسخگو باشد. اعمال شکنجه و ترور و قتل و کشتار از ضد ارزش هایی بوده که با روح انقلاب در تضاد و تباین بوده است. در واقع قرار بود با پیروزی انقلاب پرونده شکنجه و قتل و ترور نیز بسته شود. تمام انقلابیون که در حوزه های فرهنگ و دانشگاه و دفاع مقدس خدمت می کرده اند با این اطمینان از مسئولان دفاع می کرده اند که این حوادث هیچ وقت اتفاق نخواهد افتاد. با این وجود معلوم شده است که از سال ۶۰ تا بعد از آن بدترین شکنجه ها در زندان های اطلاعات و سپاه و اوین و سایر بازداشتگاه ها رواج داشته که این اقدام بیش از هر چیز به نظام و انقلاب و اسلام صدمه حیثیتی زده است که هیچ کس نمی تواند پاسخگو باشد. باید از هاشمی پرسیده شود که این است معنای مدیریت بحران؟! با شکنجه و قتل و اعدام و سرکوب می توان جامعه ای را اداره کرد؟... در همین زمینه گفته می شود که تعداد زیادی در دهه ۶۰ اعدام شده اند و حتی در سال ۱۳۶۷ بیش از چند هزار نفر به صورت دسته جمعی اعدام شده اند آیا این است معنای مدیریت در بحران؟! اگر قرار باشد با

اعدام و ترور و شکنجه مخالفان سرکوب شوند در آن صورت مدیریت چه مفهومی خواهد داشت؟».

نکته مهم اینکه با گذشت زمان و جو پدیده آمده در جامعه ما بیش از پیش پرده های عوام فریبی و دروغ از سیمای سردمداران رژیم «ولایت فقیه» گرفته می شود و امروز دیگر کمتر کسی است که نداند رفسنجانی همواره یکی از مهم ترین مهره های ارتجاع و دستگاه سرکوب رژیم ولایت فقیه بوده است. وی از نزدیکان خمینی و از چهره های شاخص ارتجاع و استبداد و از عوامل اصلی خیانت به آرمان های مردمی انقلاب شکوهمند بهمن است. رفسنجانی از حمایت وسیع سپاه و وزارت اطلاعات برخوردار است، و در کلیه رخ دادهای دو دهه اخیر، در کنار این دو ارگان، بر ضد منافع مردم قرار داشته است.

در شرایط کنونی، رفسنجانی و باند وابسته به او، می کوشند با توسل به بند بازی و مانورهای ریاکارانه، خود را از اتفاقات گذشته مبرا سازند. رفسنجانی هم در فساد مالی و هم در جنایات سازمان یافته وزارت اطلاعات و سپاه سهمیم بوده و از آن در جهت ثروت و قدرت خود سود جسته است. باید با هوشیاری و به طور خستگی ناپذیر، میدان مانور این مهره ضد ملی و مردم ستیز را محدود ساخت و پیوسته و بدون وقفه او را افشا کرد. رفسنجانی نقطه اتصال بسیاری از جریانات مافیایی و ارتجاعی میهن ماست!

جناح راست و «اسلام»

«کاندیدای یکی از شهرهای استان زنجان که قرار است جناحی را که معتقد بود در شهرستان ها رأی خواهد آورد، نمایندگی کند، اخیراً تصویر کاملی از تصویری که جناح یاد شده از مردم شهرستان ها دارد به نمایش گذاشته است. وی در سخنرانی خود برای مردم یک روستا گفت: اسلام به دست راست خیلی اهمیت و ارزش قایل است و تأکید شده در نماز جماعت سمت راست امام بایستیم... چپ شدن اتومبیل تلفات به جا می گذارد و اسلام چپ چپ نگاه کردن را مکروه دانسته است پس جناح راست خوب است و جناح چپ بد و مردم تکلیف دارند در انتخابات به جناح راست رأی بدهند» (روزنامه صبح امروز، ۱۳ بهمن).

ادامه بیانیه تحلیلی کارگران ...

صنوف ارتجاع و جناح راست که اکنون نماینده سیاسی سیاه ترین و ارتجاعی ترین طبقه بورژوازی تجاری بازار است، با شکستی مفتضحانه مواجه خواهد شد. بگذارید یک بار دیگر از این حضور فعال و یکپارچه، ریشه بر اندام ارتجاع و حامیان سرمایه داری تجار و کلان سرمایه داران زالو صفت بیفتد. کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران دست اتحاد به سوی تمامی کارگران و زحمتکشان کشورمان دراز می کنند و خواستار آنند که با سازماندهی و احیاء تشکل های مستقل صنفی مانند سندیکاها و اتحادیه ها اتحاد فراگیر و خلل ناپذیر خویش را به وجود آورند. صنوف خود را مستحکم سازیم و در اتحاد فراگیر در میدان مبارزه سیاسی و در انتخابات مجلس ششم قدرت خویش را به نمایش بگذاریم.

پیش به سوی احیاء و تشکیل سندیکاهاى مستقل کارگری!
پیش به سوی اتحاد فراگیر کارگران و زحمتکشان در عرصه های کار و پیکار!

برقرار باد اتحاد زحمتکشان و روشنفکران مترقی و مبارز!
کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران،
۱۹ بهمن ماه ۱۳۷۸

ادامه مقاومت و مبارزه ...

نقش زنان، خوار انگاری هنر پیشرو و تجربی، و همه اینها می باید فضا را برای وارد آوردن ضربه کاری بر حقوق اجتماعی مردم آماده سازد. عهده داری سه دهه مسئولیت دولت توسط سوسیال دموکراسی، از یک سو جنبش کارگری بی بی تهور، ساختار خبر رسانی بی ارتجاعی و عرصه فرهنگی بی بی پشتیبان را بر جای گذاشته، از سوی دیگر به ایجاد یک دستگاه مدرن تعقیب و پیگرد خدمت کرده است. حزب کمونیست اتریش، از هر گونه مقاومتی که در برابر این ائتلاف ارتجاعی، چه در روبروی سیاسی - فرهنگی و چه در زمینه ایدئولوژیک صورت پذیرد، پشتیبانی می کند.

- تحولات کنونی نظرات حزب کمونیست اتریش را تایید می کند که، حکومت های تحت رهبری سوسیال دموکراسی، با نابودی صنایع دولتی، در دام نولیبرالیسم فرو غلیتند. سوسیال دموکراسی به جای مالکیت عمومی، حراج پایه های اقتصادی کشور به شرکت های فراملی و پیش از همه به شرکت های آلمانی، عضویت در اتحادیه اروپا و نظامی گری پرداخت، که در عمل به بحران بیکاری و وداع با «بیطرفی» کشور انجامیده است. پیشروی پوپولیسم راست پیامد این اقدامات است. گذشته از آن، وضعیت کنونی، ورشکستگی آن سیاست راست گرایانه بی را نیز به اثبات می رساند که از سال ۱۹۸۶ از سوی سوسیال دموکراسی پیگیرانه اعمال گشته است. سیاست راست گرایانه بی که می بایست باد را از بیرق «هایدر» فرو گیرد، و به عنوان تنها راه علاج و تنها راه مبارزه با پیشروی او ارائه می گردید، در عمل با شکست کامل روبه رو گردیده است.

حزب کمونیست اتریش، همه اتحادیه های کارگری مبارز، همه زنان و مردان فعال در تشکل های اجتماعی شهروندان، جنبش زنان، جنبش دانشجویی، هنرمندان و همه فرهنگ سازان کشور را، و در یک کلام، همه نیروهای دموکراتیک را، فرا می خواند تا از آغاز در برابر حکومت جدید به مبارزه برخیزند.

اتریش، روزهای حساسی را می گذراند. هزاران نفر، در روزهای اخیر بر ضد دولت جدید صدها کیلومتر راه پیمایی کرده اند. وین، پایتخت اتریش، و شهرهای بزرگ دیگر آن، هر روزه صحنه تظاهرات مردم بر ضد دولت جدید است. جامعه اتریش بیش از پیش شکاف بر می دارد.

ادامه بیانیه تحلیلی کارگران صنوف و ...

ویژه حامیان سرمایه داری لجام گسیخته و سرمایه داران نوکیسه امروزی از پاسخ مستقیم به آن ظفره می روند. و یا با دروغ های سفسطه آمیز و به دلیل دیدگاه و سیاست طبقاتی خویش آدرس اشتباه می دهند تا شاید بتوانند همانند هم سالکان و هم فکران جهانی خود که اکنون سیاست جهانی شدن سرمایه را در پیش گرفته اند، توده های مردم را از واقعیت اجتماعی دور سازند، و بر روی قلب پنبنده انقلاب ها و طوفان های سهمگین، و موتور تحولات اجتماعی سربوش گذارند، و بدین وسیله رسالت تاریخی طبقه کارگر را کتمان کنند. اما واقعیت غیر از آن است. طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان شهری و روستائی، قلب پنبنده انقلاب ها و طوفان های سهمگین، و موتور قدرتمند تحولات اجتماعی - سیاسی تاریخ خویش بوده است. کارگران و زحمتکشان کشور ما، از بدو تولد پس از انقلاب مشروطه و تا زمانی که به منزله یک طبقه رشد و خود آگاهی یافت، در تمامی مراحل حیات خویش مرکز ثقل تحولات بوده و رشد و تغییرات اساسی در عرصه ملی به طور عمده از قدرت انقلابی این طبقه ریشه گرفته است.

کارگران مبارز!

تسخیر و غضب انقلاب ۲۲ بهمن به دست حکام ارتجاعی و جناح راست حاکمیت و اعمال سیاست های به اصطلاح سازندگی که چیزی جز فقر - حرمان - محرومیت اجتماعی - اقتصادی و گرانی سرسام آور و ازدیاد فقر در لایه های اجتماعی به بار نیاورد، با خیزش آگاهانه توده ها به ویژه کارگران و زحمتکشان در دوم خرداد ۷۶ با شکست سنگینی مواجه شد. دوم خرداد ماه استبداد ستیزی مردم و مقاومت در مقابل سیاست های ورشکسته اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی استبداد حاکم بود. حماسه دوم خرداد نشان داد تا زمانی که کارگران و زحمتکشان دوش به دوش مردم در صحنه سیاسی حضوری فعال داشته اند، سنگر های ارتجاع و سرمایه داری مورد آماج قرار گرفته و به دست زحمتکشان فتح گردیده است. اما زمانی که ارتجاع با حیله و نیرنگ و با رخنه در صفوف کارگران به منظور انحراف از مسیر مبارزه، سپس با سرکوب و حذف فیزیکی و روانی سازمان های صنفی - سیاسی و رهبران آنها وارد عمل شده است، انقلاب و تحولات اجتماعی عقیم مانده است.

کارگران و زحمتکشان مبارز!

بدون شک نقش و عملکرد دقیق و اصولی ما در فضای به شدت سیاسی و ملتهد از رقابت ها و چالش های درون حکومتی در آستانه انتخابات مجلس ششم بسیار مهم و اساسی است. وظیفه و رسالت ما کارگران در این مقطع چیست؟ عملکرد و حرکت ما در رابطه با انتخابات مجلس ششم چه تاثیری در سطح افشار و طبقات و در آرایش سیاسی جامعه و ترکیب حاکمیت برجا خواهد گذاشت؟ این سؤال های اساسی و کلیدی قطعاً نیاز به پاسخ های تحلیل شده دارد. پر واضح است که ما دو وظیفه مهم و انقلابی یعنی وظیفه ملی، صنفی پیش روی خود داریم. و به گونه ای که در سال های گذشته به آن عمل کردیم، اکنون نیز با دقت و قدرت سازمان خویش می توانیم دگر بار به آن عمل کنیم.

ما کارگران همواره پیشتاز جنبش ملی - توده ای و جنبش صنفی بوده ایم و اکنون قادریم این وظیفه انقلابی را پا به پای هم به عهده بگیریم و در هر دو صحنه حضور فعال خویش را تا به دست آوردن اهداف و خواست های صنفی اجتماعی در کنار اهداف ملی ادامه و استمرار بخشیم. در وهله نخست خواست مبرم جنبش طبقه کارگر، مبارزه در جهت حقوق و مزایای صنفی از قبیل احیاء و تشکیل تشکل های صنفی مستقل مانند سندیکاها

و اتحادیه ها مبارزه با سیاست های ضد کارگری نظام جمهوری اسلامی مانند به تعطیل کشاندن کارخانه ها و واگذاری بخش های کلیدی اقتصاد به بخش خصوصی - مبارزه برای بالا بردن دستمزدها متناسب با رشد بی رویه نرخ تورم - مبارزه یکپارچه و متمرکز با بیکاری آشکار و پنهان و حق اعتصاب و ... می باشد که اصولاً در شرایط کنونی می تواند در دستور مطالبات و خواسته های طبقه کارگر قرار گیرد. ما کارگران در صنوف و کارخانه ها و واحدهای تولیدی بزرگ و کوچک، بدون اینکه لحظه ای از مطالبات و خواسته های صنفی - اجتماعی خویش غافل باشیم، و یا آن را به بوته فراموشی بسپاریم، در صحنه مبارزه سیاسی جهت پیشبرد اهداف ملی - انقلابی می توانیم حضور داشته باشیم. مسلم است که سیاست صنفی - مطالباتی، باید در انطباق با اتخاذ سیاست درست و اصولی در عرصه پیکار اجتماعی - سیاسی باشد. رأی کارگران به نمایندگان واجد صلاحیت در صفوف اصلاح طلبان دوم خرداد از یک سو اهداف جنبش ملی که اکنون خواهان آزادی های دموکراتیک است را تقویت خواهد کرد و از سوی دیگر خواست های دور و نزدیک صنفی - مطالباتی طبقه کارگر را در چشم انداز خویش قرار خواهد داد. در پی تحقق اهداف جنبش ملی که جنبش دوم خرداد بخش جدائی ناپذیر آن است، بخش مهمی از خواسته های صنفی - مطالباتی طبقه کارگر مانند احیاء و تشکیل تشکل های صنفی مستقل به بار خواهد نشست. بدین ترتیب اگر صحنه انتخابات مجلس به مبارزه دو قطب بین حاکمین قدرت طلب راست و قطب حکومت مردم سالار و دموکراتیک در آمده، وظیفه ما دفاع از نیروها و افرادی است که خواستار حذف ارتجاع و استبداد و حاکمیت مردم سالار است. هرگونه انحراف به راست یعنی حمایت بی چون و چرا و یا دنباله روی کورکورانه و بدون برنامه مطالباتی از انتخابات، طبقه کارگر را به زائده بی بی اراده در دست حاکمان جناح های سیاسی در خواهد آورد. از طرف دیگر هرگونه چپ روی کودکانه به معنی نفی و عدم مشارکت در انتخابات و در پیش گرفتن سیاست های صنفی و سیاسی، باعث انزوای بیشتر این طبقه و خلاء آن در صحنه مبارزه به سود جناح راست حاکمیت خواهد بود. چرا که جناح راست به دلیل شکست های سنگین در سال های گذشته، سیاست محدود کردن نقش مردم و به انزوا کشیدن آنان را دنبال می کند. باید در نظر داشت برخی از سران و نمایندگان حاکمیت که سنگ طبقه کارگر را به سینه می زنند و نهادهای فرمایشی کارگری به راه انداخته اند، افرادی را در لیست انتخاباتی خود قرار داده اند که مدافع سرسخت استبداد و سرکوب جنبش دانشجویی و توده ای بوده اند، باید افشاء کرد. لذا ما کارگران با استفاده از تجربه و آزمون های گرانقدر گذشته و با بهره جویی از میراث رهبران بزرگ جنبش کارگری و با اتکاء به قدرت مستقل طبقاتی خویش بدون چپ روی و نادیده گرفتن جنبش عظیم ملی که انتخابات مجلس یکی از مراحل حساس آن است و به دور از راست روی و فراموش کردن نقض و رسالت تاریخی خویش در مبارزه شرکت خواهیم کرد و با توانمند ساختن جنبش ملی به سود جنبش طبقاتی حرکت نوینی آغاز خواهیم کرد، که راه ما را به اهداف هموار خواهد ساخت.

کارگران آگاه و مبارز - مردم شریف و آزاده!

ما کارگران صنوف و کارخانه های تهران بدون وابستگی به گروه ها و احزاب، در این برهه حساس از تاریخ کشورمان، خواهان اتحاد درونی در صنوف طبقه کارگر هستیم و از تمامی کارگران آگاه و شریف می خواهیم در قالب تشکل های صنفی و دوش به دوش یکدیگر در این چالش و پیکار سرنوشت ساز کشورمان حضوری فعال و پیگیر داشته باشند. مطمئن باشید در صحنه پیکاری که طبقه کارگر یکپارچه و قدرتمند و آگاه حضور داشته باشد،

ادامه در صفحه ۲

آزادی برای همه زندانیان سیاسی ایران!

وزارت اطلاعات، هاشمی رفسنجانی و «مدیریت بحران»

«از سال ۶۰ تا بعد از آن بدترین شکنجه ها در زندان های اطلاعات و سپاه و اوین و سایر بازداشتگاه ها رواج داشته که این اقدام بیش از هر چیز به نظام و انقلاب و اسلام صدمه حیثیتی زده است که هیچ کس نمی تواند پاسخگو باشد. باید از هاشمی پرسیده شود که این است معنای مدیریت بحران؟! با شکنجه و قتل و اعدام و سرکوب می توان جامعه ای را اداره کرد؟... در همین زمینه گفته می شود که تعداد زیادی در دهه ۶۰ اعدام شده اند و حتی در سال ۱۳۶۷ بیش از چند هزار نفر به صورت دسته جمعی اعدام شده اند آیا این است معنای مدیریت در بحران؟!»

حمایت های مادی و معنوی او، گفته بود: «پس از پایان جنگ، بیش از ۱۶۵۰ پروژه عمرانی به سپاه محول شد. در ابتدا قرارگاه سازندگی خاتم الانبیاء تشکیل شد که به تصویب هیئت دولت رسید و با حمایت ریاست جمهوری جناب آقای هاشمی رفسنجانی، سپاه طرف قرارداد با وزارت خانه های مختلف شد» (اطلاعات بین المللی، مصاحبه رحیم صفوی - ۱۸ دی ماه ۱۳۷۵).

به این ترتیب، تمام فعالیت های اقتصادی سپاه، و به طریق اولی وزارت اطلاعات، هم به تصویب هیئت دولت رسیده و هم از حمایت همه جانبه رفسنجانی برخوردار بوده است! نمونه دیگر از این گونه فعالیت ها، افشاکگری اخیر روزنامه عصر آزادگان به تاریخ ۶ دی ماه سال جاری است. این روزنامه در مطلبی پیرامون پیامدهای سیاست تعدیل اقتصادی دولت رفسنجانی از جمله نوشت: «عجیب نیست اگر شاهد سرمایه گذاری وزارت فرهنگ و ارشاد در تجارت گوشت باشیم و نظاره کنیم رئیس دادگستری تهران سپرده های مردم را از حسابی به حساب دیگر منتقل کند و از آن بهره بگیرد و وزیر پست و تلگراف و تلفن در معامله یک ساختمان، هزاران تلفن همراه را در اختیار طرف های معامله قرار دهد و سپاه پاسداران وارد کننده اتومبیل - شکر - برنج و... از آب در آید و وزارت اطلاعات اقدام به تاسیس چندین شرکت تجاری کند و در رشته های اقتصادی به یاری رانت های قدرت و ثروت ناشی از اقتدار حکومت، سازمان اقتصادی کشور را مختل و با تاکید بر مجوزهای ویژه بهره رایج پول را به شصت تا صد در صد در سال برساند، میلیاردهای نوکیسه و یکشبه همگی متکی بر رانت از میان یک لاقباها و آسمان جلها سر بر آورند.»

این مکانیزم و چارچوب رشد نوکیسه های وابسته به سپاه و وزارت اطلاعات، طی دوران هشت ساله ریاست جمهوری رفسنجانی است که به طنز تلخ و استهزا آمیز تاریخ «دوران سازندگی» نامیده شده است.

طی این دوران وسعت فعالیت مالی - اقتصادی، و یا به بیان روشن تر غارت گرانه و دلالی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران چنان است که بر هر رشته بی انگشت گذاشته شود، رد پای این دو ارگان سرکوبگر و فاسد دقیقاً به چشم می خورد. چنین فعالیت های گسترده بی بدون حمایت و مشارکت ولی فقیه، و به ویژه شخص رئیس دولت وقت، یعنی رفسنجانی، امکان پذیر نبود!

پرونده های بی شمار و متعددی در این زمینه موجود است که اکنون برخی از آنها از پرده برون افتاده است. به طور مثال مشارکت وزارت اطلاعات در جریان واردات تلفن همراه (موبایل) که طی آن میلیاردها تومان حیف و میل شد. در این معامله یکی از مدیران کل با سابقه وزارت اطلاعات به نام اکبر خوشکوش که هم اکنون به جرم دست داشتن در قتل های زنجیره ای در زندان بسر می برد، نقش اصلی را ایفاء می کرده است. خوشکوش در مشارکت با غرضی وزیر پست و تلگراف و تلفن و با حمایت کامل رفسنجانی مبالغ هنگفتی پول اختلاس کرد، در یکی از این قراردادها، ماجرا بر ملا می شود و پرونده بی تشکیل می گردد، اما وزارت اطلاعات و حاکم شرع، محسنی اژه ای، پرونده را از روال معمولی خارج و آن را مختومه اعلام می کنند. نام رفسنجانی، غرضی و این مدیر کل وزارت اطلاعات مشخصاً در این معامله و اختلاس کلان مالی آمده است. همچنین در جریان برج سازی و ساختمان سازی های تهران و شهرهای بزرگ کشور مانند تبریز و اصفهان نیز باز هم وزارت اطلاعات یک پای ماجراست.

در پرونده بی که در دهه ۷۰ به آن رسیدگی شد و به پرونده برادران افراشته مشهور گردید، وزارت اطلاعات و اکبر خوشکوش مبالغ هنگفتی به

شرکت هاشمی رفسنجانی در کارزار انتخاباتی مجلس ششم، و فعالیت پر تب و تاب باند کارگزاران سازندگی به سود او، مساله مهم نقش رفسنجانی طی دو دهه اخیر، و به ویژه دوران هشت ساله ریاست جمهوری وی، در مرکز توجه، تحلیل و ارزیابی سازمان ها، احزاب و مطبوعات داخل و خارج از کشور قرار گرفته است. در این میان، یکی از مهم ترین و در عین حال بحث برانگیزترین موضوعات، ماهیت و چگونگی روابط رفسنجانی با دستگاه های امنیتی رژیم، یعنی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران است. اهمیت این موضوع از آن رو قابل تعمق است که، در جریان قتل های زنجیره ای، و سایر جنایاتی که در سال های اخیر از سوی رژیم «ولایت فقیه» سازمان دهی شده است، سایه «سردار سازندگی» از پس دود و غبار تبلیغات جمهوری اسلامی برای به انحراف کشاندن اذهان پیرامون، این مساله، بیش از گذشته، قابل تشخیص و ردیابی است. رفسنجانی، هنگامی که رسماً حضور خود را در رقابت های انتخاباتی اعلام داشت، با توسل به شیوه های گوناگون، کوشید نقش خود را در مسایل مربوط به وزارت اطلاعات و اقدامات غیر قانونی و مخرب آن پنهان ساخته، و یا بسیار کم رنگ جلوه دهد. از جمله، وی طی یک کنفرانس مطبوعاتی، در اواخر آذرماه که با حضور خبرنگاران داخلی و خارجی برگزار شد، از پاسخ صریح و مشخص به پرسش های خبرنگاران در این رابطه طفره رفت و با کلی گویی و دروغ پردازی مساله را مسکوت گذارد.

در رابطه با علت حضور نیروهای امنیتی در فعالیت های اقتصادی، رفسنجانی تاکید کرد: «آن چه به نام فعالیت های اقتصادی اینها مطرح است این نیست که، مراجعه کنند و اجازه بگیرند. بلکه اینها در برنامه های خود برای پوشش اطلاعاتی شرکت هایی تاسیس می کردند و از آنها برای حضور در برخی جاها استفاده می کردند، البته شاید درست هم نبود، برخی ها را ما همان زمان تعطیل کردیم، اصولاً این جریان تثبیت شده و مورد قبول دولت نبود» (اطلاعات بین المللی، اول دی ماه ۷۸).

ماجرای قتل های زنجیره ای را نیز چنین توصیف کرد: «مسئله قتل های اخیر، وضع روشنی دارد، کسانی که دستگیر شده اند قبل از دوران ریاست جمهوری من در وزارت اطلاعات گزینش و مشغول به کار شده اند، قتل ها هم بعد از دوران من اتفاق افتاد» (همانجا). رفسنجانی در این مصاحبه، و همچنین در دیگر مواقع، زیرکانه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کرده و آشکارا به دروغ متوسل می شود. واقعیت این است که، وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، در دوران هشت ساله ریاست جمهوری وی با صلاحدید و ابتکار و حمایت همه جانبه او وارد فعالیت های اقتصادی شده و علاوه بر سرکوب و اختناق، در غارت و چپاول ثروت ملی گوی سبقت را از دیگران ربودند. رفسنجانی به دروغ و عوام فریبی مدعی است که، تاسیس شرکت ها و به طور کلی فعالیت اقتصادی وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران، بدون اجازه بوده و مورد قبول دولت نبوده است. اما اظهارات فرماندهان سپاه و مدیران وزارت اطلاعات و حتی سخنان خود وی در دوران ریاست جمهوری اش، مشت دروغ گورا باز کرده و افشا می کند.

اتفاقاً، رحیم صفوی، فرمانده سپاه پاسداران، در این خصوص چند سال پیش طی مصاحبه بی با روزنامه اطلاعات، با بر شمردن فعالیت های سپاه در دوران به اصطلاح «سازندگی»، ضمن تجلیل از رفسنجانی و

ادامه هاشمی رفسنجانی ...

دست آوردند. این پرونده نیز، با کمک محسنی اژه ای فقط محدود به افراد غیر وابسته به وزارت اطلاعات شد، و نام عناصر این وزارت خانه از آن پاک گردید. روزنامه عصر آزادگان، ۲۳ آذر ماه امسال، در این خصوص گزارش داد: «در پرونده برادران افراشته از فردی به نام اکبر خوشکوش نام برده می شود که با سوء مدیریت از رانت قدرت، صاحب ثروت باد آورده ای می شود، این فرد توسط محسنی اژه ای در دادگاه محکوم نگردید، در حالیکه با آن ثروت بادآورده، ساختمانی مجلل ساخته بود که در یک طبقه آن خودش و در دیگر طبقات آن سعید امامی و مصطفی کاظمی زندگی می کردند.»

وزارت اطلاعات و رفسنجانی در جریان زمین مسجد ولی عصر نیز حضور داشته اند. ماجرا از این قرار بود که، وزارت اطلاعات و مهدوی کنی این زمین را خریداری کرده و قرار بود تبدیل به پاساژ شود. کارشناسان شهرداری تهران، ۲۴ میلیارد تومان مالیات برای آن محاسبه کردند، اما کرباسچی با اشاره و همدستی رفسنجانی ۲۱ میلیارد تومان از این مالیات را به آیت الله مهدوی کنی و وزارت اطلاعات تخفیف داد و حتی ۳ میلیارد باقی مانده هرگز به شهرداری پرداخت نشد.

یکی دیگر از افتضاحات وزارت اطلاعات، که باز هم رفسنجانی در آن شریک عمده محسوب می شود، ماجرای پرونده شرکت مضاربه ای «سحروالیکا» است که در موقع خود، در داخل کشور سروصدای زیادی به راه انداخت. مالک و مدیر این شرکت به نام دولتخواهان که ثروت و سود سرشاری در اثر فعالیت انگلی و غیر مولد کسب کرده بود، در مقابل پیشنهاد وزارت اطلاعات برای سهم شدن در شرکت مذکور، مقاومت کرد. حاصل سرسختی نامبرده، دستگیری، محاکمه و سپس اعدام وی بود. در حالی که اگر او درخواست سهم ۵۰ درصدی وزارت اطلاعات را می پذیرفت، نه تنها مجازات نمی شد، بلکه بر ثروت و قدرتش افزوده می شد. رفسنجانی و علی فلاحیان در این مساله نقش اصلی را دارا بودند. بی دلیل نیست که، علی فلاحیان صراحتاً اعلام داشته است، اگر در رابطه با وزارت اطلاعات و پرونده قتل های زنجیره ای قرار بر جواب گویی باشد، با رئیس خودم خواهم آمد!

لازم به تذکر است که در پاسخ به ترهات و عوام فریبی های رفسنجانی پیرامون اینکه او از بسیاری از مسایل در درون وزارت اطلاعات بی اطلاع بوده است و یا اینکه در دوران او «وزارت اطلاعات یکی از تمیزترین دوره ها

ادامه در صفحه ۲

اطلاعیه دبیر خانه کمیته مرکزی حزب توده ایران

جعل اعلامیه و سند به نام حزب توده ایران را شدیداً

محکوم می کنیم

اخیراً اعلامیه بی از سوی دست اندرکاران نشریه ضد توده ای «راه توده»، با عنوان: «حزب توده ایران به جبهه مشارکت اسلامی رأی می دهد»، همراه با نامه های اعتراض آمیز، از سوی اعضا و هواداران حزب، پیرامون ضرورت برخورد قاطع ارگان های رهبری حزب توده ایران با اعلامیه فوق الذکر، به دست ما رسیده است، که تذکراتی چند را ضرور می سازد: بدیهی است که حق دست اندرکاران این نشریه و یا هر نشریه دیگر است که نظر خود را درباره مسایل مختلف سیاسی اعلام کنند و هواداران خود را به اتخاذ سیاست مشخصی تشویق کنند. ولی انتشار و جعل اعلامیه به نام یک حزب، عملی زشت و خلاف عرف و فرهنگ سیاسی رایج است، که بی شک از سوی همه نیروهای مترقی و آزادی خواه محکوم است. نظر حزب توده ایران پیرامون انتخابات ششمین دوره مجلس شورای اسلامی، در اعلامیه منتشر شده از سوی کمیته مرکزی حزب ما اعلام و در اختیار عموم قرار گرفته است و بنابراین، صدور هر اعلامیه دیگری به نام «حزب توده ایران» جز جعل و دروغ پردازی چیز دیگری نمی تواند باشد.

این نخستین بار نیست که گروهی بسیار کوچک که سال ها پیش، به دلیل فعالیت های ضد توده ای، از صفوف حزب توده ایران رانده شده اند، این چنین به جعل اعلامیه و اعلام موضع به نام حزب توده ایران، دست می زنند. بسیاری از نیروهای سیاسی میهن ما و خصوصاً اعضا و هواداران حزب، به یاد دارند که در گذشته بی نه چندان دور، همین افراد، مهم ترین وظیفه خود و توده ای ها را «مبارزه با شعار خانمان سوز طرد ولایت فقیه» و دفاع از «سردار سازندگی» و جناح هاشمی رفسنجانی، به عنوان «جناح چپ جمهوری اسلامی»، می دانستند، و به نام «محافل آگاه توده ای» خواهان این بودند که: «نه تنها خود باید از این جناح دفاع کنیم، بلکه باید تمام قدرت خود را به کار گیریم، تا سایر نیروهای انقلابی را نیز اگر تردیدی دارند متقاعد کنیم، که به حمایت از آن برخیزند...» (نشریه «راه توده»، شماره ۲۴، ص ۱۲).

ما بار دیگر اعلام می کنیم، نشریه «راه توده» نه تنها هیچ گونه ارتباطی با حزب توده ایران ندارد، بلکه نشریه بی است ضد توده ای، که با هدف مبارزه با اهداف و آرمان های حزب توده ایران منتشر می شود. ما اعلام می کنیم که، هرگونه اعلام موضعی به نام «حزب توده ایران»، خارج از اعلامیه های کمیته مرکزی حزب توده ایران و مواضع مندرج در «نامه مردم»، ارگان مرکزی حزب توده ایران، جعل سند به نام حزب توده ایران و عملی است که از سوی اعضا و هواداران حزب توده ایران در داخل و خارج محکوم می شود.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، اول اسفندماه ۱۳۷۸

ما توطئه رژیم صدام را بر ضد حزب

کمونیست عراق محکوم می کنیم!

جلسه شورای وزیران خود، در ۳۰ اکتبر ۱۹۹۹، که در آن، او مطالب توهین آمیزی پیرامون کمونیسم اظهار داشت، نیروهای امنیتی، در داخل عراق، اعلامیه های جعلی با نام و با امضای هیات سیاسی حزب ما پخش کرده اند. همین آژانس هاهمچنین گزارشی ساختگی به مجله هفتگی مصری «الاهرام» مبنی بر این ادعا که، حزب ما حمایت کامل خود را از صدام حسین دیکتاتور اعلام کرده است، داده اند که در شماره ۴ دسامبر ۱۹۹۹ این نشریه به چاپ رسید.

جدیدترین، ولی نه آخرین اقداماتی این چنینی، اعلام «تجدید حیات» حزب کمونیست عراق بوده است، که قرار است توسط یوسف حمدان عضو به اصطلاح «مجلس ملی» رژیم رهبری شود. این عامل سرسپرده، در بیانیه بی که توسط آژانس خبری رسمی

ادامه در صفحه ۶

اخیراً کمیته مرکزی حزب برادر، حزب کمونیست عراق، طی اعلامیه بی ما را از اقدام پلید و توطئه آمیز دستگاه های امنیتی رژیم دیکتاتوری صدام حسین، به منظور صدمه وارد کردن به مبارزات قهرمانانه این حزب، مطلع کرد. حزب توده ایران ضمن محکوم کردن اقدامات مذوب حانه و شیطانی رژیم دیکتاتوری صدام حسین، حمایت کامل و بیگیر خود را از حزب برادر و مبارزه آن برای سرنگونی رژیم دیکتاتوری صدام حسین، و کارزار تحسین آمیز، برای رفع تحریم اقتصادی بر ضد مردم زجر دیده عراق، اعلام می دارد. در اطلاعیه حزب کمونیست عراق، از جمله آمده است:

«رژیم صدام حسین به سیاست های شناخته شده ترور، نقض اساسی ترین حقوق بشر، که همچنان شامل حزب ما و اعضای آن می شود، ادامه می دهد. اخیراً، آژانس های امنیتی رژیم متدهای جدیدی را برای مبارزه با حزب ما اتخاذ کرده اند. علاوه بر بیانیه صدام، در

ادامه ۲۹ بهمن ماه فراندومی ...

فاجعه تحمیل شده به میهن ما از جمله همین نیروهایند که با حادثه شدن مبارزه و شفاف شدن صفوف خلق و ضد خلق، ماهیت ضد مردمی شان بیش از پیش افشاء می شود و این چنین قاطعانه از صفوف جنبش رانده می شوند. بر اساس آخرین گزارش ها هاشمی رفسنجانی، «استوانه نظام» و «سرمایه» ارتجاع، در تهران در رده ۲۷ قرار گرفته و تنها ۲۳ درصد آراء را به خود اختصاص داده است (شرط انتخاب در مرحله اول احراز ۲۵ درصد آراء است). ما شک نداریم که این روند در آینده نیز ادامه خواهد یافت و این قانونمندی مبارزه طبقاتی است که گریزی از آن نیست.

در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، بار دیگر میلیون ها ایرانی اعلام کردند که، دیگر خواهان ادامه استبداد «ولایتی» نیستند. ۲۹ بهمن ماه، به این تعبیر فراندوم دیگری در راه طرد رژیم «ولایت فقیه» بود که با پیروزی چشمگیر توده ها به پایان رسید. افزون بر این پیروزی تاریخی مردم در ۲۹ بهمن، نشان می دهد که روند آغاز شده از دوم خرداد ۱۳۷۶ تا به امروز، روندی است که با قانون مندی استوار و قاطعی به سمت تثبیت جنبش مردمی، به عنوان نیروی اساسی و تعیین کننده در تحولات میهن، به پیش می رود و با هر گام و پیروزی بی از این نوع امکان بازگشت و شکست آن ضعیف تر می گردد. مردم ما، در سه سال گذشته، در آزمون های مهم و حساسی با درایت و هوشمندی تاریخی قابل تحسینی تلاش های ارتجاع حاکم برای به شکست کشاندن جنبش را خنثی کرده، و هر بار نیرومند تر از بار پیش پرچم نبرد را برافراشته اند. در انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، بیش از ۲۰ میلیون ایرانی، نامزد رسمی «ولی فقیه» و بخش عمده روحانیت حاکم را با شکست مفتضحانه بی روبرو کردند، و ضربه جبران ناپذیری بر اساس رژیم وارد آوردند. پس از آن حرکت تاریخی، جنبش مردمی با هوشیاری، توطئه سرکوب و کودتای مزدوران ارتجاع را که جنبش را به «گردن زدن» و «زبان بریدن» تهدید می کرد و با ریختن خون شماری از آزادی خواهان گام های نخستین اجرای این توطئه شوم را برداشته بود، با شکست قاطعی روبرو کرد که به نابودی معدودی از مهره های مهمی همچون سعید امامی، نور چشمی «ولی فقیه» منجر شد. در همین سه سال، مردم ما با تحریم میلیونی انتخابات مجلس خبرگان، نشان دادند که برای ارگانی که «ولی فقیه» رژیم را انتخاب می کند کوچک ترین ارزش و حقانیتی قابل نیستند. و اصولاً چنین ساختارهایی را، که در انحصار مطلق روحانیت قرار دارد ساختارهایی ارتجاعی و ضد مردمی می دانند. شرکت میلیونی مردم در انتخابات شوراها، و انتخاب هزاران نامزد مستقل و اصلاح طلب، و شکست سنگین «حزب الله»، انصار «حزب الله» و انصار «ولی فقیه» در این انتخابات، گام مهم دیگری بود که جنبش در حرکت خود در سه سال اخیر برداشته است و مهر تأییدی بر این نظر بود که پیکار میلیون ها ایرانی بررغم عدم سازمان یافتگی سراسری، حرکتی کاملاً سیاسی و آگاهانه در مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» است. انتخابات ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸، نقطه اوج تحولات، تنش ها و درگیری های ماه های اخیر بود. مجلس شورای اسلامی، به عنوان یکی از سنگرهای مهم ارتجاع، در سه سال گذشته، یکی از مراکز اصلی توطئه بر ضد حرکت مردم، و تصویب کننده رشته بی از ارتجاعی ترین، و ضدملی ترین لوایح، همچون لایحه جدا سازی خدمات درمانی بر اساس جنسیت، لایحه اعزام «بسیج

دانشجویی»، یعنی چماق داران مزدور «ولی فقیه» به دانشگاه ها، لایحه تحدید آزادی مطبوعات، لایحه نظارت استصوابی در شکل کنونی اش، و ده ها لایحه دیگر از این دست بوده است. نقش دیگر مجلس پنجم، ایجاد بحران، و فشار بر دولت خاتمی، از طریق استیضاح و برکناری وزرا، از جمله عبدالله نوری، و در مجموع، سد کردن هر حرکتی، هر چند کوچک، به نفع مردم بوده است. بدیهی است که برای از دست دادن چنین سنگری لطمه بی جدی به نیروهای مرتجع و مدافع استبداد است. ولی همان طوری که در گذشته هشدار داده ایم، پیروزی ۲۹ بهمن پایان کار نیست. نیروهای حاکم، هنوز در مجموع از امکانات وسیعی برای سد کردن خواست و تمایل مردم بهره مند هستند. کنترل کامل نیروهای انتظامی، نظامی و سرکوبگر، کنترل شورای نگهبان به عنوان ارگانی که می تواند تمامی لوایح و قوانین مصوب مجلس آینده را رد کند، کنترل مجلس خبرگان به عنوان نهادی برای تأیید حکومت «ولی فقیه» و کنترل قوه قضائیه به عنوان ارگانی که می تواند بازوی توجیه گر استبداد حاکم باشد، که همگی در اختیار «ولی فقیه» اند، نشانگر دشواری های جدی است که جنبش مردمی هنوز با آن روبرو است، و تا طرد رژیم «ولایت فقیه» نیز با آن مواجه خواهد بود.

تجربه انتخابات ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، همچون انتخابات شوراها و همانند انتخابات دوم خرداد ۱۳۷۶، بار دیگر نشان داد که حرکت متشکل توده ها از چنان نیروی عظیم و توقف ناپذیری برخوردار است که می تواند بر اراده و خواست ارتجاع حاکم پیروز شود و راه خود را به سوی آینده و آزادی میهن باز کند. جنبش مردمی در طول سه سال گذشته از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است و در کوره مبارزه همچون فولادی آبدیده شده است توان ادامه راه تا پیروزی نهایی را پیدا کرده است. آنان که فکر می کردند با کشتار آزادی خواهان، و یا سرکوب خونین جنبش دانشجویی در ۱۸ تیر ماه و یا یورش به حقوق زنان پیکار جوی میهن ما و تهاجم به حقوق کارگران و زحمتکشان می توانند همچون گذشته به حیات خود ادامه دهند، امروز دیگر نیک می دانند که حوادث و رویدادهای کشور، در اساس به ضرر آنان و به نفع مردم جریان دارد. از همین رو ست که، باید با هوشیاری آماده مقابله با ترفندها و توطئه های نیروهای شکست خورده ارتجاع بود. ارتجاع زخم برداشته این توان را هنوز دارد که تا جنبش مردمی یورش برده و ضربات مهلکی بر آن وارد کند. تنها راه موثر مقابله با توطئه و ترفند ارتجاع، حفظ انسجام، و ارتقاء سطح سازمان یافتگی و کیفیت سیاسی جنبش است. در روند پیکار انتخاباتی نمونه های جالبی از همکاری نزدیک گروه های اجتماعی، صنفی، همچون کارگران و زحمتکشان، با دانشجویان و زنان به چشم می خورد که بی شک می باید در آینده ارتقاء یافته و زمینه های تشکیل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری را فراهم آورد. تجربه سه سال گذشته، بارها نشان داده است، که امروز مهم ترین سد راه تحولات به سمت آزادی و حاکم شدن مردم بر سرنواشت شان، رژیم «ولایت فقیه» است. جنبش مردمی می باید خود را برای مبارزه مستقیم با این سد اساسی آماده کند. پیروزی ۲۹ بهمن ۱۳۷۸، گام مهمی در این راه است که باید آن را به همه مردم میهن ما تبریک گفت.

ادامه ما توطئه بر ضد ...

عراق منتشر شد، اعلام کرد که، مصمم است «حزب کمونیست عراق را مجدداً احیا» کند. بر اساس گزارش آژانس خبری فرانسه، در ۷ دسامبر ۱۹۹۹، او همچنین نامه هایی به هیات های رهبری ۶۵ حزب کمونیست در سراسر جهان فرستاده، و از آنها خواسته است که «کارزارهای همبستگی با دولت عراق را سازمان بدهند». رژیم صدام، در حالی که برای بیرون آمدن از انزوای فزاینده خود با استیصال می کوشد، در ضمن در تلاش است تا متعاقب شکست مفتضحانه همه شیوه های ترور خونین برای شکست عمل و فعالیت سازمان های حزب ما در سراسر عراق، حزب ما و مبارزات پیگیر آن را بدنام سازد. حزب ما برای لغو تحریم اقتصادی مردم کشورمان و نیز سرنگونی رژیم مبارزه می کند. حزب ما رژیم دیکتاتوری به رهبری صدام حسین را عامل اصلی تمامی فجایع و معضلاتی می داند که مردم ما با آن دست به گریبان اند. حزب ما همچنین، ایالات متحده را مسئول وخیم تر کردن این مصایب می داند.

حزب ما خواهان ایجاد یک عراق واحد، فدرال و دموکراتیک است که مورد حمایت مردم و همه نیروهای معتقد به منافع مردم باشد. این اساس طرح میهن پرستانه ای است که حزب ما در همکاری با نیروهای میهنی واقعی، در راستای حصول آن، مبارزه می کند.

همزمان با ارایه این اطلاعات و واقعیات به شما، برای افشای نقشه های رژیم عراق، و افشای روش هایی که توسط آژانس های امنیتی آن به کار گرفته می شود، و افشای هر آن کسی که درصدد دزدیدن نام حزب ما به هدف ایجاد روابطی در خدمت به منافع حکام دیکتاتور است، ما خواستار کمک و حمایت شمایم.»

تجاری جهانی است.



مردم بر ضد «جهانی شدن»!

تظاهرات اعتراضی هزاران نفر در بانکوک، در ۲۲ بهمن، کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل را تحت الشعاع قرار داد. تظاهرکنندگان، با شکستن حلقه محافظتی پلیس تایلند به دور سالن کنفرانس، یک متن اعتراضی بر ضد سیاستهای اقتصادی نولیبرالی را به برگزارکنندگان کنفرانس ارائه کردند.

فعلان جنبش ضد فقر، با برگزاری تظاهرات در مقابل محل کنفرانس، صندوق بین المللی پول را به عمیق‌تر کردن فاصله بین فقیر و غنی و توجه به رفع نیازهای کمپانی‌های غربی متهم کردند. مدیر کل سازمان تجارت جهانی، مایک مور، در سخنرانی خود به تظاهرکنندگان حمله کرد و اتهامات آنها را مردود شمرد. او مدعی شد: «یکی از مشکلات سازمان تجارت جهانی این است که ما را برای هر زیاده روی کاپیتالیسم، هر مورد نشت فضولات سمی، و هر درختی که قطع می شود مقرر می دانند.» در حاشیه کنفرانس، دبیر کل سازمان ملل، کوفی عنان، گفت که سازمان ملل نگران اثرات تحولات اقتصادی غرب مخصوصاً یکی شدن های کمپانی های عظیم و انحصاری شدن تولید و تجارت بر روی کشورهای فقیر است.

نشانه های وحشت!

نخست وزیر سوسیال دموکرات سوئد، گوران پرسون، در ۲۱ بهمن، تهدید کرد که ارتباط خود با حزب چپ سوئد را به دلیل این که کمونیست ها در این حزب نفوذ دارند، قطع خواهد کرد. دولت اقلیت سوسیال دموکرات ها، برای تصویب قوانین در پارلمان، به حمایت حزب چپ و نیز حزب سبزها نیاز دارد. اظهارات خشمگینانه نخست وزیر سوئد متعاقب این اعلام حزب چپ بود که این حزب در کنگره آتی خود انتقاد از کمونیسم شوروی را از برنامه خود حذف خواهد کرد. پرسون، نگرانی و مخالفت خود را با اینکه برخی اعضای حزب چپ سوئد خود را هنوز کمونیست می خوانند، اعلام کرد و اضافه کرد: «اگر آنها به سیاست خود در این جهت ادامه دهند، من فکر می کنم که بسیار مشکل خواهد بود که بتوانیم با هم همکاری کنیم.» اما امیدواریم و معتقدیم که حزب چپ در این کنگره که به زودی برگزار خواهد شد، این توانایی را خواهد داشت که از چنین حماقت هایی جلوگیری کند. «حزب سوسیال دموکرات اخیراً به رغم مخالفت های یکپارچه مردم سوئد، با کنار گذاشتن واحد پول سوئد و از پذیرش ارز واحد اروپایی، «یورو»، حمایت کرد. حزب چپ، با پیوستن سوئد به ارز واحد اروپایی و نیز ایجاد ارتش اروپایی مخالف است.

فراخوان برای وحدت

در پاسخ به دو روزنامه بزرگ ویتنام، نهاداندان (ارگان حزب کمونیست ویتنام) و دای دوان کت (ارگان جبهه میهنی ویتنام)، که توجه رفیق لی خا فو، دبیر کل حزب کمونیست ویتنام، را به اختلافات جدی در میان مسئولان کلیدی در سطوح مختلف و لزوم یاد آوری درس هایی که زمانی توسط هوشی مین در مورد وحدت داده می شد، جلب کردند، رهبر کمونیست های ویتنام «وحدت ملی، وحدت تمامی حزب و وحدت مردم و تمامی نیروهای نظامی» را مورد تأکید قرار داد. دبیر کل حزب کمونیست ویتنام گفت: «عاملی که وحدت حزب ما را از همان تولدش تضمین کرد شخصیت برجسته هوشی مین بود. عامل دیگر، پایه اخلاقی بی بسیار مهمی بود که تمامی اسلاف ما، سرنوشت ملت اسیر ما، و طبقه کارگر منکوب شده ما، را همواره در مد نظر داشت. کمونیست ها به نیاز رهایی میهن از یوغ امپریالیسم و فئودالیسم، حصول استقلال ملی، به این اصل که زمین از آن کسی است که بر روی آن کار می کند، و پیشروی به سوی سوسیالیسم آگاه بودند. به این دلیل است که اولین گروه های کمونیست ویتنامی توانستند اختلاف های خود را کنار بگذارند، به وحدت زود رس دست یابند و حزب کمونیست ویتنام را تأسیس کنند. در طول ۷۰ سال گذشته، وحدت درونی حزب همیشه حفظ شده است، زیرا همه اعضا و مسئولان حزبی شادی و رنج مردم را بخوبی درک کرده، و مصمم بودند که برای عملی کردن آرمان های انقلابی حزب، که تبلور آرزو های ملت است، مبارزه کنند.» رفیق لی خا فو، پس از اشاره به فعالیت های میهن پرستانه و از خود گذشتگی های مسئولان حزبی، اعضای حزب، سربازان و شهروندان عادی در مقابله با سیل ویرانگر اخیر اظهار داشت: «در مواجهه با رنج ها و آرزوهای مردم و مسئولیت های تاریخی ما، مسئولان و اعضای حزب، اعضای اتحادیه جوانان کمونیست و سربازان، باید به گونه ای عمل کنیم که درخور میهن، خلق و حزب باشد. اگر ما بتوانیم به این سوال جدی پاسخ بدهیم، آنگاه می توانیم بر هر چیزی غالب شویم، شرافتمندانه و شجاعانه به مشکلات و کاستی ها توجه نشان دهیم، به انتقاد از خود بپردازیم، مصممانه اشتباهات را

تصحیح کنیم و در اتحاد و علاقه متقابل زندگی و کار کنیم. همان گونه که اشتباهات نیازمند تصحیح اند، وحدت نیز نافی انتقاد نیست. اما انتقاد ما باید سازنده باشد، تا حزب را بسازد، رفقا را به هم نزدیک کند، و وحدت درونی حزب را همچون مردمک چشممان محافظت کند.»

«رعایت» حقوق بشر در کانادا

حزب کمونیست کانادا، اخیراً در بیانیه بی طرح وحشیانه دولت کانادا را برای دستگیری و بازداشت اعضای حزب کمونیست و خانواده های آنان در اردوگاه های ویژه، در صورت وقوع جنگ و یا وضعیت اضطراری فاش کرد. بیانیه حزب برادر فاش می کند که، بر اساس یک طرح سری، که پس از پایان جنگ جهانی دوم تدوین گردیده و در سال ۱۹۸۳ «به طور رسمی کنار گذاشته شد»، اعضای حزب کمونیست کانادا می باید توسط پلیس کانادا دستگیر می شدند. بیانیه، در ادامه اظهار می دارد: «اگر چه این طرح توقیف مشخصاً کمونیست ها و خانواده های آنها را مورد هدف قرار می داد، ولی نمایش دهنده بی احترامی آشکار به حقوق مدنی و انسانی تمامی مردم کانادا است.

این طرح مشخص برای توقیف رهبران کمونیست، در صورت وقوع جنگ جهانی سوم، منعکس کننده این برداشت قدیمی اما از پایه غلط است که کمونیست های کانادایی گویا «عواملان یک قدرت خارجی» - و به طور مشخص اتحاد شوروی - بودند و لذا «خطری بر ضد امنیت ملی» محسوب می شدند. مردم کانادا حق دارند عصبانی و وحشت زده باشند که دولت های متوالی کانادا چنین اقدامات وحشیانه و غیر قانونی را تا سال ۱۹۸۳ در مد نظر داشته اند، مخصوصاً اگر که انکار «رسمی» در مورد توقیف نژاد پرستانه کانادایی های ژاپنی الاصل در دوران جنگ جهانی دوم را به یاد بیاوریم. «متوحش ترین جنبه این مسأله تصمیم مقامات به بازداشت و توقیف کودکان فعالان حزب بود. و نمایش دهنده این امر است که وحشت و افرودت کانادا از کمونیست ها هیچ حد و مرزی نمی شناسد.» حزب کمونیست کانادا، دولت این کشور را «فرا می خواند تا همه اسناد مربوط به این توطئه کنیف را، شامل لیست واقعی افرادی که حقوق مدنی و انسانی شان تحت نام «امنیت ملی» در معرض نقض بود، منتشر کند.» حزب کمونیست کانادا همچنین خواستار این است که دولت کانادا به طور علنی و در مقابل افکار عمومی تصمیم دولت های قبلی را در مورد در نظر گرفتن چنین عمل غیر دموکراتیکی محکوم کرده و رسماً از حزب کمونیست کانادا و خانواده های تمامی آن کمونیست هایی که هدف چنین طرحی بودند، معذرت خواهی کند.» بیانیه، در پایان اضافه می کند: «حقوق مدنی و انسانی تمامی مردم کانادا در منشور حقوق و آزادی ها درج و گرامی داشته شده است. مردم کانادا باید طلب کنند که این حقوق پایه ای به ویژه توسط دولت و سرویس های پلیسی و امنیتی به طور آکید محترم شمرده شده و مورد توجه قرار گیرد.»

کمک امپریالیستی!
هاریت بایت مسئول هیات نمایندگی رسمی ایالات متحده در جریان کنفرانس تجارت و توسعه سازمان ملل (UNCTAD)، اعلام داشت که ایالات متحده فقط به کشور هایی کمک خواهد کرد که سیاست های اقتصادی «مساعد برای سرمایه گذاری» اتخاذ کنند. خانم بایت صریحاً فاش کرد که هدف برنامه کمک های امپریالیستی ایجاد شرایط سرمایه گذاری برای کمپانی های چند ملیتی است. او گفت: «اگر شما دلارهای کمی خود را در سیستمی بگذارید که فاقد فضای اقتصادی و ساختاری مناسب باشد، این به هدر می رود. وظیفه ما این است که بهترین نتیجه را از دلارهای کمی خود بگیریم.» رئیس هیات نمایندگی آمریکا گفت که، هیچ گاه به قدر کافی کمک رسمی برای توسعه موجود نخواهد بود. او سرمایه گذاری خارجی مستقیم را منبع اصلی توسعه دانست. یک سخنگوی جنبش توسعه جهانی گفت که، منابع موجود از طریق سرمایه گذاری خارجی مستقیم (FDI) فقط به صنایعی نظیر معدن و پروژه های انرژی اختصاص می یابد و اثر ناچیزی بر زندگی مردم دارد. وزیر تجارت و صنعت هند، مورا سولی ماران، ایالات متحده را متهم کرد که، با تحمیل شرایط «در تصمیم کشورهای فقیر و مستقل دخالت می کند.»

او همچنین ایالات متحده و اتحادیه اروپا را متهم کرد که، با فشار به کشورهای در حال توسعه، برای قبول استانداردهای غربی در عرصه هایی نظیر نیروی کار و محیط زیست، موانع جدیدی در مقابل صادرات کشورها ایجاد می کنند. او اصرار کشورهای غربی به تحمیل چنین استانداردهایی را معادل با ایجاد موانع مصنوعی در مقابل صادرات کشورهای جهان سوم به کشورهای سرمایه داری پیشرفته دانست. او گفت که، از سازمان تجارت جهانی به عنوان وسیله یی برای پیش بردن سیاست هایی که برای کشورهای ثروتمند سودمند است، استفاده می شود.

وزیر هندی گفت: «کشورهایی نظیر هند احساس می کنند که سیستم کنونی سازمان تجارت جهانی، مثل یک خیابان یک طرفه، از شمال به سهولت قادر به ورود است، اما از جنوب مواجه با موانع بسیاری خواهد بود.» تظاهرات بر ضد «جهانی شدن» و «بدهی های جهان سوم» در مقابل محل کنفرانس در سالن ملکه سیریکیت در بانکوک هر روزه جریان داشت. در کنفرانس، مدیر کل سازمان تجارت جهانی، مایک مور گفت که، او تا اوایل بهار قوانینی را به منظور فراهم آوردن امکان ورود کشورهای در حال توسعه به بازار ارائه خواهد داد. او گفت که، سازمان تجارت جهانی خواستار حمایت کشورهای فقیر از یک دور جدید مذاکرات

مقاومت و مبارزه، وظیفه مبرم روز

جامعه و به نفع بالای جامعه در حرکت خواهد بود. رفیق «رامون مانتووانی»، مسئول روابط بین المللی حزب احیای کمونیستی ایتالیا در مصاحبه بی که با هفته نامه «صدای خلق»، نشریه حزب کمونیست اتریش، انجام داده است، از جمله می گوید: «۱۴ کشور اتحادیه اروپا تنها نمی توانند به اتخاذ تدابیر تنبیهی در برابر این پدیده اکتفا کنند، بلکه می باید با علل بوجود آورنده آن برخورد کنند و برای آن ها راه حلی بیابند. این علل، همانا علل اقتصادی و اجتماعی است، که بخش هایی از مردم را به نا امیدی سوق داده است. عدم اطمینان اجتماعی، پایه اساسی موفقیت نیروهای پوپولیستی، دست راستی نژاد پرست را تشکیل می دهد.» هیئت مرکزی حزب کمونیست اتریش، در اطلاعیه ای که در آستانه تشکیل دولت جدید منتشر ساخت، آخرین تره های مصوب خود را پیرامون تشکیل دولت جدید اعلام داشته است. در این اطلاعیه از جمله چنین می خوانیم:

«- سهم گشتن حزبی که خواهان پیوند زدن تغییرات نولیبرالی جامعه سرمایه داری با تبلیغات نژاد پرستانه است و ایجاد تضییقات و مرز بندی برای اقلیت ها را دنبال می کند، حزبی که هنوز در پی بزک کردن چهره ناسیونال سوسیالیسم [نازیسم] است و تصویری ارتجاعی از نقش زنان در جامعه دارد، چیز دیگری جز یک گردش به راست جدی و پر معنا نمی تواند ارزیابی گردد. و در همین راستا نگرانی های ابراز شده در خارج از کشور پیرامون تحولات سیاسی در اتریش، قابل درک است.

- شرایط و مقررات تصویب شده از سوی اتحادیه اروپا در راستای سیاست گذاری بودجه به نفع «یورو» (پول واحد اروپا)، لیبرالیزه کردن بازارهای اقتصادی و خصوصی سازی، همه وهمه، صرف نظر از آن که تشکیل دهنده دولت جدید چه نیروهایی هستند به وخیم تر شدن شرایط اقتصادی قشرهای وسیعی از مردم خواهد انجامید.

حکومت جدید، حکومتی آشکارا ارتجاعی است، که هدفش چیزی جز تغییر ساختاری به ویژه در زمینه حقوق اجتماعی و استخدامی نیست. پایان یافتن شرکت حزب سوسیال دموکرات در دولت، نشان دهنده آنست که نمایندگان سیاسی سرمایه بزرگ، در پی به وجود آوردن آن شرایطی اند که خواست های خود را بر رغم مقاومت سندیکا های کارگری، تهاجمی تر و عریان تر به پیش برند.

- بزودی نحوه جدید حکومت تاثیر خود را در روبنای سیاسی و بخش آموزش و فرهنگ بر جای خواهد گذاشت. به وجود آوردن محدودیت برای اقلیت ها، تراشیدن مقصر های واهی، داشتن تصویری ارتجاعی از

ادامه در صفحه ۲

جامعه اتریش به حرکت در آمده است. مقاومت در برابر دولت جدید و برنامه های آن، شعار امروز نیروهای مترقی و پیشروی مردم اتریش است. سرانجام حزب سوسیال دموکرات اتریش، پس از ۳۰ سال عهده دار بودن مسئولیت در دولت های مختلف، مجبور به کناره گیری از حکومت گردید. دولت جدید، که از ائتلاف دو حزب دموکرات مسیحی به رهبری «ولفگانگ شوسل» و حزب «آزادی خواهان» به رهبری «یورگ هایدر»، تشکیل گردیده است، در مدت کوتاه عمر خود، کشور را در بحرانی بزرگ فرو برده است. بدون تردید اتریش بحرانی ترین روزهای خود را پس از اعلام استقلال این کشور می گذراند. در نشریه «آرگومنت»، نشریه اطلاعاتی برای اعضا و هواداران حزب کمونیست اتریش، از جمله می خوانیم: «ائتلاف رهبر حزب دموکرات مسیحی با «پدر خوانده» معنوی راست افراطی وطنی لکه ننگی برای اتریش و اروپا محسوب می گردد. اینکه در جامعه اتریش نژاد پرستی، شوونیسم، خارجی ستیزی و یهودی ستیزی وجود دارد، چیز جدیدی نیست، اما این بیشم می است که حزبی با چنین خصوصیات در دولت پذیرفته می شود.» به گفته رفیق «هایدی آبروش»، جانشین صدر حزب کمونیست اتریش، مدت زیادی طول نخواهد کشید تا اعتراض های بین المللی خاموش گردد، زیرا برنامه دولت جدید چیزی جز برآورده ساختن خواست شرکت های فراملی نیست. و در اتحادیه اروپا نیز سر آخرین شرکت های فراملی هستند که تصمیم گیرنده نهایی اند. در این اروپای انحصارها و شرکت های فراملی است که راه برای «هایدر» هموار شده است. طبق برآورد «سندیکای بلوک چپ»، یکی از فراکسیون های اتحادیه سراسری کارگران اتریش، با برنامه اقتصادی دولت جدید، هر خانواده سالانه شش هزار تا هشت هزار شیلینگ، «حدود هزار مارک آلمان» متضرر خواهد شد. یکی از رهبران این فراکسیون کارگری، «کانفرد گروس»، نسبت به گسترش یافتن فقر در اتریش هشدار می دهد و اعلام می کند: «تخریب دستاوردهای اجتماعی همراه با برقراری امتیازات جدید برای شرکت های فراملی بزرگ، ویژگی های دولت جدید را تشکیل می دهد. دولت جدید از آن رو بر سر کار آمده است تا ساختار تامین اجتماعی را نابود سازد و حقوق کارپذیران را ده ها سال عقب براند. زمانی که سیاست پاسخگوی نیست، سندیکا ها می باید به مسئولیت خود عمل کنند. می باید کاری کرد تا دولت «شوسل-هایدر» سقوط کند و افق راهی دیگر، راهی نوین به سوی تغییرات اجتماعی دموکراتیک نمایان گردد.» از نکات مورد توجه دیگر برنامه دولت جدید، می توان از موارد زیر نام برد:

- پرداخت ۲۰ درصد از مخارج پزشکی توسط بیماران (از جمله برای دارو- معاینه پزشکی و بستری شدن در بیمارستان)؛
- بالابردن سن بازنشستگی زود رس؛
- فروش باقی مانده صنایع دولتی و دادن امتیازات جدید مالیاتی به کارفرمایان؛
- محدود کردن حقوق سندیکاها، در نمایندگی کردن از حقوق کارپذیران؛
- در ز مینه سیاست خارجی نیز نزدیکی هرچه بیشتر با پیمان تجاوز کار آتلانتیک شمالی «ناتو» دنبال خواهد شد.

این برنامه که همانا نولیبرالیسم محض است، آن چیزی است که سال ها اتحادیه صاحبان صنایع خواستار آن بودند، و همان سیاست هایی است که اتحادیه اروپا در مصوبات خود مکررا طالب آن بوده است. بر طبق این برنامه، با کاهش دادن تسهیلات اجتماعی، سالانه ۱۵ میلیارد شیلینگ بر قشرهای پایینی جامعه فشار اقتصادی وارد خواهد شد و این در حالی است که کارفرمایان ۲۰ میلیارد شیلینگ امتیازات مالیاتی دریافت خواهند کرد. به عبارت دیگر، سالیانه روند معکوس تقسیم ثروت بالغ بر ۳۵ میلیارد شیلینگ، به زیان قشرهای پایین

کمک های مالی رسیده

به یاد رفیق شهید سرگرد بینائی ۲۰۰ مارک
به یاد رفیق احسان طبری از کلن ۱۰۰ مارک

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
NAMEH MARDOM-NO:577
Central Organ of the Tudeh Party of Iran
<http://www.demon.co.uk/mardom/tudeh.htm>

22 February 2000

شماره فاکس و
تلفن پیام گیر ما
۳۳۴۱۶۲۷ - ۳۰ - ۴۹ -

حساب بانکی ما:

IRAN e. V. نام
790020580 شماره حساب
10050000 کد بانک
Berliner Sparkasse بانک



بررسی رویدادهای ایران

محکومیت نقدی به جرم شکنجه

به گزارش روزنامه های ایران محمد رضا نقدی فرمانده حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی رژیم ولایت فقیه به حکم دادگاه تجدید نظر نظامی به هشت ماه حبس محکوم شد. نقدی و تعدادی از مامورین حفاظت و اطلاعات، به اذیت و آزار و شکنجه عده ای از متهمین پرونده شهرداری تهران متهم هستند. بنا به همین گزارش محتویات پرونده حاکی از دخالت غیر قانونی حفاظت و اطلاعات نیروی انتظامی رژیم ولایت فقیه در جلب، احضار، بازداشت و بازجویی از افراد شهرداری و آمريت در آزار و اذیت متهمین جهت اخذ اعتراف و بازداشت غیر قانونی، بازداشت های انفرادی و ممنوع الملاقات نمودن است. محکومیت نقدی به جرم شکنجه در حالی صورت می گیرد که در رژیم ولایت فقیه شکنجه، آزار، بازداشت غیرقانونی، سریه نیست کردن مخالفان، ترور و اعدام های وحشیانه بدون محاکمه، همواره و بخصوص پس از قلع و قمع مخالفان در اوایل انقلاب بدون وقفه ادامه داشته و تاکنون هیچ مرجعی پاسخگوی این جنایات بی شمار نبوده است. محاکمه و زندانی کردن نقدی آن هم به مدت هشت ماه را نباید این طور تعبیر کرد که رژیم ولایت فقیه در صدد مقابله با این اقدامات وحشیانه می باشد. رشد و گسترش جنبش مردمی سردمداران شکنجه و جنایت را به چنین عقب نشینی هایی وادار می کند.

رفتار آگاهانه مردم در جریان انتخابات

روزنامه «فتح» یکشنبه ۸ اسفند نظر دو نفر از صاحب نظران سیاسی، در مورد انتخابات اخیر مجلس شورای اسلامی را جویا شده که، در آن ابراهیم اصغر زاده، این انتخابات را یکی از آموزنده ترین رفتارهای سیاسی مردم در طول بیست سال گذشته دانسته است. اصغر زاده در مورد رفسنجانی گفت: «تمام کسانی که به هاشمی رای ندادند، رفتار سیاسی کاملا آگاهانه ای داشتند.» وی با ذکر این نکته که مردم با شخصیت و برنامه های رفسنجانی کاملا آشنا بودند اظهار داشت که رفتار کسانی که به وی رای ندادند قابل مطالعه تر از رفتار کسانی است که به چهره های ناشناخته رای ندادند. رضا علیجانی، سردبیر نشریه «ایران فردا»، رای مردم در انتخابات اخیر را، رای عدم اعتماد به گذشته دانست. رضا علیجانی، آراء داده شده به رفسنجانی، کروی و محتشمی را بسیار قابل توجه و درس آموز دانست و اضافه کرد: «در نتیجه انتخابات افراد جوان و کمتر شناخته شده بالاتر از این افراد قرار گرفته اند و این نشانگر آن بود که مردم به صورت حزبی و شبه حزبی رای دادند و جوانان کمتر شناخته شده را که به عنوان اصلاح طلب معرفی شده اند را بر افراد معروف تری که

ادامه در صفحه بعد

گزیده ها

« حزب توده ایران خواهان تضمین خدشه ناپذیر و بدون قید و شرط آزادی اندیشه، دین، بیان، قلم، مطبوعات، و حق تشکیل احزاب، جمعیت ها، اتحادیه ها و سندیکاهای صنفی است، و از حق انتخاب شغل، محل سکونت، و حق اعتصاب و حقوق مدنی و دموکراتیک شهروندان، دفاع می کند. حزب توده ایران خواهان اجرای بدون قید و شرط منشور جهانی حقوق بشر و نظارت بر اجرای آن از طریق ایجاد مستقلى با شرکت نمایندگان سازمان ها، احزاب، و گروه های سیاسی و صنفی کشور است... حزب توده ایران معتقد به تضمین مشارکت واقعی سازمان های مستقل و صنفی طبقه کارگر و زحمتکشان در اداره مربوط به شرایط کار و زندگی آنان در بخش تولیدی، اداری و خدمات کشور است. بر این اساس حزب توده ایران خواهان شرکت نماینده مستقیم کارگران در مدیریت صنایع، واحدهای تولیدی کشور، وزارت خانه ها و نهادهای رسمی دولتی است...» از برنامه حزب توده ایران، مصوب چهارمین کنفرانس



ارکان مرکزی حزب توده ایران

ضمیمه ۵۷۷، دوره هشتم سال شانزدهم، ۱۰ اسفند ماه ۱۳۷۸

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران مبارزه هماهنگ، سازمان یافته و متحد کارگران یگانه راه مقابله با ترندهای ارتجاع زخم خورده

ضد کارگری خود دست باید... (نامه مردم)، شماره ۵۶، سه شنبه ۱ تیرماه ۱۳۷۸.

نمایندگان ارتجاع در دفاع از این طرح ضد ملی و ضد حقوق کارگران و زحمتکشان آن را «اشغال زا» و حرکتی برای «رفع معضل بیکاری» اعلام کردند. عباس عباسی، نماینده ارتجاع از بندر عباس، از بازندگان بزرگ انتخابات اخیر بود، در سخنانی در دفاع از این طرح از جمله گفت: «دولت توان سرمایه گذاری جدید را ندارد و سه سال پشت سرهم با کمبود اعتبار مواجه بوده... و شغل جدید ایجاد نشده است.» و شجاعی یکی دیگر از همفکران عباسی افزود: «هیچ راهی برای حل بحران بیکاری در کشور غیر از طرح مذکور وجود ندارد. شخص رئیس جمهور و دولت نیز با این طرح موافق هستند و اگر تصویب شود، حداقل ۳۰ یا ۴۰ درصد سرکار می روند و رفع مشکل بیکاری ارزان قیمت و بدون سرمایه گذاری میسر می شود...»

تاکید بر «ارزان قیمت بودن» حقوق کارگران از چشم مدافعان «ولی فقیه» و استبداد حاکم بیش از هر چیز نشانگر ماهیت سران ارتجاع است که تلاش می کنند با قربانی کردن کارگران منافع سرمایه داران بزرگ را تأمین کنند. واقعیت این است که با این مصوبه نزدیک به ۳ میلیون کارگر که با احتساب خانواده های آنان رقمی معادل ۱۲ میلیون نفر از شهروندان میهن ما را شامل می شود، از حقوق قانونی خود محروم می شوند و اراده سرمایه داران بزرگ بر مقدرات زندگی آنان بیش از پیش حاکم خواهد

ادامه در صفحه ۲

کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز!

نمایندگان پنجمین مجلس شورای اسلامی، که اکثریت آنان مدافعان «ذوب در ولایت»، تاریک اندیشی و نمایندگان کلان سرمایه داری تجاری اند با استفاده از روزهای باقی مانده از عمر مجلس ضد ملی و در کنترل ارتجاع، با توطئه یی از پیش طراحی شده، طرح مصافحت کارگاه ها و واحد های تولیدی، پنج نفر و کمتر را از شمول قانون کار خارج کردند. بر اساس این اقدام حداقل دو میلیون و ۸۰۰ هزار کارگر که نزدیک به ۴۰ درصد از کل کارگران کشور محسوب می شود، از حمایت های نسبی قانونی مندرج در قانون کار محروم می شوند و در معرض خطر از کار بیکار شدن و یا وادار شدن به پذیرش شرایط بیش از پیش غیر انسانی کارفرمایان، قرار می گیرند.

کارگران و زحمتکشان میهن ما به خاطر دارند هنگامی که کلیات طرح مصافحت کارگاه ها و واحد های تولیدی دارای سه کارگر و کمتر در جلسه ۱۹ خرداد ماه ۱۳۷۸، مجلس شورای اسلامی، به دلیل اعتراض های وسیع و سراسری کارگران مسکوت گذاشته شد، حزب ما هشدار داد که این اقدام تنها مانوری حیل گرانه است و جنبش کارگری و زحمتکشان می باید با هوشیاری مواظب حرکات بعدی ارتجاع باشند. ما در این باره نوشتیم: «رد طرح اصلاح قانون کار در کمیسیون مجلس و مخالفت دولت با آن و سرانجام مسکوت ماندن آن... یک عقب نشینی موقتی و حساب شده است. رژیم ولایت فقیه خواهد کوشید در شرایط مناسب و از راه های دیگر به اهداف

با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری

برای آزادی، صلح، استقلال، عدالت اجتماعی، و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

ادامه رویدادهای ایران

افکار عمومی سئوالاتی در مورد اصلاح طلبی آنان و دفاع شان از دموکراسی وجود دارد، برتری دادند.»

علیجانی با توجه به اینکه نام محتشمی در لیست جبهه مشارکت و فهرست انتخاباتی روزنامه نگاران دوم خرداد بود، ولی نتوانست به مجلس راه یابد را ناشی از برخورد صریح و روشن افکار عمومی با محتشمی دانست. علیجانی گفت: «در مجموع به نظر می رسد مردم بار دیگر به گذشته «نه» گفته اند و در انتظار و امید اصلاحات در آینده نسته اند.»

تهدید به قتل اکبر گنجی

در پی تهدید به قتل اکبر گنجی، انجمن دفاع از آزادی مطبوعات با انتشار بیانییه ای نسبت به تهدید اکبر گنجی واکنش نشان داد. در این بیانییه آمده است: «شکل گیری و تحقق آزادی مطبوعات مستلزم وجود امنیت قانونی برای مطبوعات و روزنامه نگاران و حفظ آنان از تعرض های غیر قانونی است. تردیدی نیست که هرگاه امنیت روزنامه نگاران به مخاطره افتد و در معرض تهدیدهای پنهان و آشکار قرار گیرد، امکانی برای استیفای حق آزادی مطبوعات باقی نمی ماند. تهدید اکبر گنجی، روزنامه نگار فعال کشور که بنا به گزارش منتشر شده در نشریات اخیر توسط عده ای افراد ناشناس صورت گرفته است، نشانه ای قابل تامل است که از تشدید گریشات غیر قانونی در مقابله با حقوق حقه مطبوعات حکایت می کند.» در دنباله انجمن با اشاره به قانون اساسی خواستار بررسی دقیق موضوع مذکور و کشف حقیقت از طرف سازمان های مسئول گردیده است. لازم به تذکر است که اکبر گنجی با افشگری های خود در مورد جنایات وزارت اطلاعات و موضع گیری های آشکار در مقابله با هاشمی رفسنجانی عکس العمل های خشم آلود از طرف افراد دخیل در این رابطه را پرانگیخت.

رژیم ولایت فقیه ناامید از رادیو و تلویزیون

روزنامه مشارکت چهارشنبه ۴ اسفند در مقاله ای به قلم عباس عبیدی می نویسد: «در خبرها آمده بود که صدا و سیما قصد راه اندازی روزنامه دارد. ظاهراً مدیریت صدا و سیما از نفوذ این رسانه ملی ناامید شده و فکر می کند که مطبوعات دارای نفوذ بیشتری هستند، و لذا برای کسب نفوذ، سرمایه های این کشور و مالیات پرداختی مردم را صرف راه اندازی یک روزنامه می نماید، تا از این طریق در اوضاع جاری کشور تاثیر گذارد.» مقاله ضمن ویژگی هایی که باعث تاثیر گذاری رسانه های عمومی در میان مردم می شود با اشاره به تلاش های گذشته جناح ارتجاع می نویسد: «اصلی ترین روزنامه کشور در رقابت با روزنامه های دیگر کشور به وضعیتی افتاده است که به لحاظ تیراژ در رده چندم روزنامه ها قرار دارد، روزنامه ارگان جناح راست، پس از سال ها تجربه کوشیده است که خود را با اقمیت نرم افزاری انطباق دهد، روزنامه «فردا» به عنوان یک روزنامه خصوصی و علی رغم حمایت های بی دریغ وزارت ارشاد، بیش از اندکی دوام نیاورد.» عبیدی در ادامه با اشاره به سیاست جاری حاکم بر رادیو و تلویزیون و تنفر افکار عمومی از این رسانه عمومی تحت اختیار ولی فقیه، در پایان می نویسد: «راه اندازی یک روزنامه مرتبط با صدا و سیما نیز چیزی جز هزینه کردن از پول مالیات دهندگان کشور نیست، اگر آنان توان نفوذ در افکار عمومی را دارند چرا این کار را از طریق صدا و سیما نمی کنند؟ آنان هرگاه توانستند تحریم گفتگو و مصاحبه نیروهای سیاسی و مستقل و روشنفکر را از روی صدا و سیما بردارند، مطمئن باشند که دیگر نیازی به روزنامه نخواهند داشت.» لازم به تذکر است مدیریت رادیو و تلویزیون از طرف ولی فقیه رژیم منصوب می شود. اخیراً لاریجانی طی حکمی از طرف خامنه ای به مدت ۵ سال دیگر در این پست ابقاء شد.

ادامه اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

شد. بر اساس این طرح کارفرمایان و سرمایه داران می توانند به دلخواه و بدون هیچ منع قانونی کارگران را با تحمیل شرایط شدیداً اسارتبار استخدام و هر زمان که اراده کردند، بدون پرداخت کوچک ترین حقوقی اخراج کنند.

نکته دیگری که ضرورت دارد کارگران و زحمتکشان میهن ما به آن توجه خاصی معطوف دارند، موضع انفعالی و ناروشن دولت در مقابل این طرح است. بر کسی پوشیده نیست که با وجود تعلق شمار زیادی از وزرای دولت، خصوصاً وزاری که در قبال تعیین سیاست های اقتصادی - اجتماعی مسئولیت دارند، به جناح کارگزاران سازندگی و سردار شکست خورده «هاشمی رفسنجانی»، نمی توان امیدوار بود که دولت گام مهمی در مقابله با این طرح بردارد. بر این اساس روشن است که یگانه راه مقابله با این طرح ارتجاعی مبارزه مشترک، سازمان یافته و متحد کارگران و زحمتکشان سراسر کشور است. اخبار رسیده حاکی از حرکت های اعتراضی کارگران در تهران، تبریز، اهواز، آبادان، قزوین، رشت و دیگر شهرهای ایران است. در این اوضاع باید با هوشیاری مبارزه سراسری کارگران بر ضد این طرح ضد کارگری را سازمان دهی کرد. پای منافع حیاتی میلیون ها کارگر و خانواده های آنان در میان است. باید با استفاده از همه اشکال مبارزه، از جمله تحصن، گردهمایی، اعتصاب و اعتراض های منطقه ای و سراسری ارتجاع را وادار به عقب نشینی کرد.

کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز!

شما به همراه میلیون ها ایرانی نقش مهم و حساسی را در شکست ارتجاع در انتخابات ۲۹ بهمن ماه ۱۳۷۸ ایفاء کردید. این حق انکار ناپذیر شمامست که از مجلس ششم خواهان لغو فوری این قانون ضد کارگری گردید و از نمایندگان انتخاب شده بخواهید تا لغو این قانون را در صدر برنامه های مجلس آینده قرار دهند.

شما به خوبی می دانید که چاره کارگران و زحمتکشان وحدت است و تشکیلات. ضرورت ایجاد تشکل های مستقل صنفی در اوضاع کنونی از مهم ترین وظایفی است که پیش روی جنبش کارگری آگاه و رزمنده میهن ما قرار دارد. شمار احیاء سندیکاها و اتحادیه های مستقل کارگری که در بیانییه اخیر «کارگران صنوف و کارخانه های صنعتی تهران» طرح شده، خواست مبرمی است که مورد حمایت همه نیروهای مترقی، آزادی خواه و ملی میهن ما قرار دارد. حزب توده ایران، حزب کارگران و زحمتکشان میهن ما در طول بیش از پنجاه و هشت سال پیکار خود همواره در کنار کارگران و زحمتکشان میهن ما در راه احقاق حقوق آنان رزمیده است و این بار نیز توده ای ها در سراسر میهن در کنار کارگران و زحمتکشانند و تمام توان خود را در شکست ترغندهای ارتجاع به کار خواهند گرفت.

کارگران و زحمتکشان، ستون فقرات جنبش دموکراتیک و آزادی خواهانه میهن ما هستند و در حالی که منافع آنان مورد یورش ارتجاع قرار می گیرد ضروری است تا سایر گردان های جنبش، از جمله جنبش دانشجویی و زنان میهن ما ابراز همبستگی با خواست های کارگران و زحمتکشان در کنار آنان قرار گیرند. ما اعتقاد عمیق داریم که تنها در سایه پیوند این گردان های رزمنده و اتحاد عمل آگاهانه و با برنامه آنان است که می توان راه حرکت به سوی آینده، به سوی رهایی از بند های استبداد و طرد رژیم «ولایت فقیه» را گشود. جنبش متحد و سازمان یافته توده های محروم و آگاه میهن توان آن را دارد که هر سدی را از سر راه خود بردارد.

پیش به سوی احیاء و تشکیلات سندیکاهای مستقل کارگری!

پیش به سوی اتحاد فراگیر کارگران، زحمتکشان، دانشجویان، زنان و روشنفکران مترقی و آزادی خواه میهن!

همه با هم به سوی تشکیلات جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم «ولایت فقیه»!

کمیته مرکزی حزب توده ایران

۱۰ اسفندماه ۱۳۷۸

29 February 2000

شماره فاکس و

تلفن پیام گیر ما

۰۰ - ۴۹ - ۳۰ - ۳۲۴۱۶۲۷

حساب بانکی ما:

نام
IRAN e. V.
شماره حساب
790020580
کد بانک
10050000
بانک
Berliner Sparkasse

آدرس ها: لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر، از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.

1-Postfach 100644, 10566 Berlin, Germany
2- B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK

Supplement to Nameh Mardom-NO 577

Central Organ of the Tudeh Party of Iran